
بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)

دکتر سید احمد حسینی^۱، دکتر نجمه وکیلی^۲، علی حسن توفیقیان فر^۳

چکیده

بدون شک مهمترین قشر هر جامعه ای قشر جوان آن جامعه است و یکی از معضلات و مسائلی که سلامت عمومی جوانان را به خطر می اندازد، پدیده بیگانگی اجتماعی است. در این پژوهش سعی شده است میزان بیگانگی اجتماعی و همچنین عوامل اجتماعی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. جامعه آماری این تحقیق شامل کل جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر یاسوج است و تعداد ۳۶۰ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله این شهر براساس نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم و با لحاظ کردن جنسیت، انتخاب و با استفاده از ابزار پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفتند. روش این پژوهش از لحاظ نوع، پیمایشی و از لحاظ هدف، کاربردی بوده و برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی، آمار استنباطی (آزمون کندال تاو-b، آزمون کندال تاو-c، یومان ویتنی و کروسکال والیس) و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. یافته های تحقیق نشان داد که بین متغیرهای مستقل (اعتماد اجتماعی، گرایشات مذهبی جمعی، میزان همنوایی اجتماعی و میزان رضایت از زندگی) و متغیر وابسته یعنی بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و قویترین رابطه (همبستگی)، مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی بوده است. یافته های تحقیق نشان داد که بین جوانان زن و مرد و نیز جوانان مجرد، متأهل، مطلقه و همسر فوتی در زمینه میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

کلید واژه گان: از خود بیگانگی، بیگانگی اجتماعی، جوان، عوامل اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۴/ ۱۱ /۲ تاریخ پذیرش: ۹۵/ ۴/۳

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۲. عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

۳. کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

مقدمه

امروزه برخی از کشورهای جهان شاهد تحولی هستند که به نام توسعه، موسوم شده است. یکی از نتایج این تحول، صنعتی شدن و دستیابی به سطح بالاتری از معیارهای زندگی است. تجربه های تاریخی نشان می دهد که بین توسعه اقتصادی - اجتماعی و نیروهای انسانی سالم و کارآمد همبستگی مستقیمی وجود دارد. آلمان در اروپا، ژاپن در آسیا و ایالات متحده در امریکا نمونه هایی از قدرت های عظیم اقتصادی جهان هستند که مردم آنها دارای روحیه جدی در فعالیت های اجتماعی - اقتصادی می باشند و توانسته اند با این خصلت به جایگاه های بزرگی دست یابند.

مهم ترین سرمایه هر جامعه، نیروی انسانی آن جامعه است و در بین نیروهای انسانی، نیروهای جوان یکی از قشرهای بسیار مهم تلقی می شود که می توانند مسیرهای پژوهش، ارتقا و پیشرفت یک کشور را به سرعت طی کنند و در صورتی که زمینه های پویایی و شادابی این قشر مهم جامعه فراهم نشود، می توانند فلاکت و هلاکت یک ملت یا جامعه را رقم بزنند. پس اگر زمینه ها و بستر های لازم برای پویایی، شادابی و خلاقیت این قشر مهم نادیده گرفته شود و پیوندهای لازم بین این قشر و اجتماع برقرار نشود، به احتمال زیاد آنها را در برابر یک بیماری و مسئله مهم اجتماعی به نام بیگانگی اجتماعی آسیب پذیر می کند.

کشور ایران یکی از کشورهای در حال توسعه می باشد و یکی از عناصر اصلی توسعه پایدار، نیروی انسانی کارآمد به خصوص جوانان فعال، پویا و شاداب می باشد. به خاطر آنکه تخصص و فردگرایی خصلت ذاتی جوامع در حال توسعه امروزی است و احتمال بروز مسئله بیگانگی اجتماعی در آن به نسبت از جوامع سنتی بیشتر است و نیز به خاطر آنکه قشر جوان مهم ترین قشر جامعه محسوب می شوند، پرداختن به مسئله بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن حیاتی به نظر می رسد که در این پژوهش سعی شده به این موضوع پرداخته شود و راهکارهای لازم برای کاهش این چالش ارائه گردد.

بیان مسئله

اجتماعی شدن فرایندی است که افراد به کمک آن ارزش ها، اعتقادات و معیارهای رفتاری را که فرهنگشان از آنها انتظار دارد، می آموزند و جامعه نیز یک کل منسجم و هماهنگ است

که زیرمجموعه ها و زیرگروه های بسیاری را در دل خود جای داده است. اگر این زیرمجموعه ها پیوند خود را با آن کل اصلی (جامعه) قطع کنند و جامعه نیز نتواند فرایند اجتماعی نمودن افراد و زیرمجموعه های خود را به نحو مطلوب انجام دهد، در چنین وضعیتی است که احساس جدایی و بیگانگی بر فرد مستولی شده و او را به کنشی منفصلانه و ناسازگارانه در قبال اجتماع سوق می دهد.

دوران مدرنیته و جامعه سرمایه داری همچنان که به جلو پیش می رود چالش های اساسی را برای افراد جامعه به وجود می آورد. چالش هایی که ممکن است فرد را از جامعه دور کند و در نهایت نوعی انزوا و تنهایی را برای فرد پدید آورد. از جمله چالش های اساسی مدرنیته، یأس اجتماعی یا حالت بی قدرتی در برابر ساختارهای جامعه است یاس اجتماعی (بی قدرتی) در واقع اولین مرحله بیگانگی اجتماعی است و آن مرحله ای است که فرد خود را در برابر ساختارهای سخت جامعه می بیند و این احساس به او دست می دهد که توانایی رفتار در درون این ساختارها را ندارد و قادر به تغییر آنها نیست. فرد در این مرحله است که از جامعه و از نظام مسلط بر آن مایوس می شود و قدم به قدم به انتهای فرایند بیگانگی اجتماعی نزدیک می شود.

نظریه بیگانگی مارکس به عنوان یکی از بزرگترین نظریه پردازان بیگانگی با نظر وبر درباره عقلایی و بوروکراتیزه شدن گریز- ناپذیر جهان انسانی، همانندی های آشکاری دارد. آنها هر دو بر این هم داستان بودند که شیوه های نوین سازماندهی، کارایی و تولید سازمان را به گونه بی- سابقه ای افزایش داده اند و سطح تسلط انسان بر طبیعت را بالا برده اند. همچنین هر دو اینها براین بوده اند که جهان مبتنی بر کارایی عقلایی، به غولی بدل شده است که آفرینندگانش را به انسانیت زدایی تهدید می کند (کوزر، ۱۳۷۹: ۳۱۷).

چالش و مسئله بیگانگی از خود و بیگانگی از اجتماع در افراد تا آن اندازه دارای اهمیت است که بسیاری از ناهنجاریها و کج رویهای اجتماعی از جمله خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و... با از خودبیگانگی و بیگانگی اجتماعی رابطه دارند (ستوده، ۱۳۸۹: ۷۹). هنگامی که ارتباط "من اجتماعی" فرد با محیط اجتماعی اش ضعیف می شود فرد ناهنجار می گردد. بیگانگی زمانی پدید می آید که فرد برای رسیدن به اهداف فرهنگی جامعه، دست به تلاش می زند و راه ها و شیوه هایی را برای رسیدن به اهداف خود بر می گزیند اما جامعه وسایل رسیدن به آن هدف ها را در اختیارش قرار نمی دهد. در مواردی ممکن است فرد با حقه بازی و نیرنگ و... به

اهدافش برسد اما کسی که حاضر به تقلب و نیرنگ نیست و از سویی دیگر نمی‌تواند به اهدافش از طریق مشروع برسد ممکن است مشکل را نهایتاً در "خود" ببیند و دست به خودکشی زده یا به مواد مخدر و ... پناه ببرد.

طبق آنچه ذکر شد و با توجه این‌که بخش عظیمی از جمعیت شهر یاسوج را گروه جوانان تشکیل می‌دهند و از آنجا که احساس بیگانگی اجتماعی در افراد (جوانان) می‌تواند پیامدهای مختلف فردی، اجتماعی، روانی و... داشته باشد، بنابراین لازم است میزان و ابعاد بیگانگی اجتماعی و همچنین عوامل اجتماعی مرتبط با آن به عنوان یک مسئله و معضل اجتماعی-فرهنگی، بررسی و پیگیری شود.

هدف اصلی این تحقیق تعیین میزان بیگانگی اجتماعی جوانان و شناسایی عوامل مرتبط با آن است. در راستای این هدف اصلی اهداف اختصاصی زیر نیز بررسی می‌شوند.

الف: شناسایی و تعیین رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنان.

ب: شناسایی و تعیین رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنان.

پ: شناسایی و تعیین رابطه بین میزان گرایش‌های مذهبی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنان.

ت: شناسایی و تعیین رابطه بین میزان رضایت از زندگی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنان.

ث: شناسایی و تعیین رابطه بین میزان هم‌نوایی اجتماعی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنان.

ج: شناسایی و تعیین رابطه بین میزان تحصیلات جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنان.

ح: شناخت تفاوت جوانان زن و مرد در خصوص میزان بیگانگی اجتماعی آنان.

خ: شناخت تفاوت جوانان مجرد، متأهل، مطلقه و همسر فوتی در خصوص میزان بیگانگی اجتماعی آنان.

قسمت اصلی هر پژوهش، مسئله آن پژوهش می‌باشد، و این تحقیق بر آن است تا میزان بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی موثر بر آن را بسنجد، لذا سؤال‌های اصلی و فرعی پژوهش بدین قرارند:

سؤال‌های اصلی

-میزان بیگانگی اجتماعی جوانان شهر یاسوج چقدر می‌باشد؟

- چه عوامل اجتماعی بر بیگانگی اجتماعی جوانان شهر یاسوج مؤثر می باشند؟

سؤال های فرعی:

- آیا بین جوانان زن و مرد در زمینه میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت وجود دارد؟

- آیا بین جوانان مجرد، متأهل، مطلقه و همسر فوتی در زمینه میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت وجود دارد؟

مبانی نظری

الف) نظریه های جامعه شناسی

از خودبیگانگی معادل (الیناسیون)^۱ به مفهوم انتقال مالکیت شیء یا چیزی منقول و غیر منقول به طور رایگان می باشد والینه به کسی گویند که شعور خود را از دست داده است. مصدر (Aliener) در لاتین (Alienare) بوده و به معنی فروختن، خیانت کردن، انتقال دادن و از دست دادن عواطف و تعقل است. الینه به مفهوم جن زدگی، جنون و دیوزدگی یا دیوانسری می باشد (دریابندری، ۱۳۶۹: ۴۸).

دورکیم از کلمه آنومی مترادف با بیگانگی استفاده می کند و به نوعی حالت فکری اطلاق می شود که در آن به وسیله اختلالات اجتماعی، فرد دچار نوعی سردرگمی در انتخاب هنجارها، تبعیت از قواعد رفتاری و احساس فتور و پوچی می شود (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۰۵). هاری آلپرد پژوهشگر دورکیمی چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم به عنوان نیروهای انسجام بخش، حیات بخش، انضباط بخش و خوشبختی بخش طبقه بندی کرده است. آیین های مذهبی از طریق تحمیل انضباط بر نفس و قدری خویشتن داری انسانها را برای زندگی اجتماعی آماده می کنند. تشریفات مذهبی مردم را گردهم می آورند و به دنبال آن، پیوندهای مشترکشان را تصدیق بخشده و در نتیجه همبستگی اجتماعی را تحکیم می بخشند. اجرای مراسم مذهبی میراث اجتماعی گروه را ابقا می کند و ارزشهای پایدار آن را به نسل های آینده انتقال می دهد. سرانجام دین یک کارکرد خوشبختی بخش نیز دارد زیرا که با برانگیختن احساس خوشبختی در مؤمنان و احساس اطمینان به حقانیت ضروری جهان با احساس ناکامی و فقدان ایمان در آنها مقابله می کند. در وسیع ترین سطح دین به عنوان یک نهاد اجتماعی، به رفتاری های

وجودی انسان معنای خاصی می بخشد زیرا فرد را به قلمرو فرافردی ارزش متعالی وابسته می سازد (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۷، به نقل از محمد قنبری).

مارکس از اولین کسانی است که مفهوم از خود بیگانگی را مورد توجه مستقیم قرار داده و همبسته های متعددی را برای از خود بیگانگی عنوان کرده است. از جمله احساس تنفر، احساس ناتوانی و احساس پوچی. او عقیده داشت که پدیده هایی مانند مالکیت، سرمایه، دولت و کشور توسط انسان ایجاد شده اند. انسان در مقابل بتهایی که خود خلق کرده است با فدا کردن خود در راه آنها به حالت از خود بیگانگی می رسد این از خود بیگانگی می تواند سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هم باشد. وی علت پدید آمدن این بتها را سود جویی و ناامیدی و احساس عدم تأمین می داند و علت از خود بیگانگی را ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، غلبه تولیدات انسانی، مالکیت خصوصی و تقسیم کار ذکر کرده است. مارکس راه رهیدن از از خود بیگانگی و رسیدن به خود آگاهی واقعی را در ایجاد سیستم اقتصادی- سیاسی و روابط تولیدی جدیدی می داند که با قطع نیروهای بیگانه ساز، انسان را به زندگی و هستی هدایت سازد (محسنی، ۱۳۶۶: ۵۷).

نظریه بیگانگی مارکس در واقع آمیخته ای است از آرای هگل، فوئرباخ و هس. مارکس با انتقاد از نظریه ی هگل و فوئر باخ کوشید بر مبنای جدلی (دیالکتیکی) به تبیین و تحلیل بیگانگی بپردازد. آنچه از نظریه بیگانگی مارکس می توان استنتاج کرد مبین این واقعیت است که، اولاً: بیگانگی زایده ی ساختار های اجتماعی و فرهنگی است و به واسطه ی مالکیت خصوصی و تقسیم کار انسان قادر به تمتع و حظ از ماحصل کار و محصول فعالیت خود نیست و در نتیجه نمی تواند نیروهای بالقوه ی خود را باز یابد و بشناسد و بنابراین چنین بیگانگی او را از مفهوم واقعی انسانیت دور کرده و او را از خویشتن، از انسان هم نوع و از طبیعت بیگانه و منفک می سازد. ثانیاً: بیگانگی امری خود ساخته یا خود انتخابی نیست بلکه امری تحمیلی و ناخواسته است. و از آن جایی که وجود درد مستلزم شناخت و درمان آن است، بیگانگی آغازی بر آگاهی و زمینه ساز تحولی بنیادی در استقرار روابط اجتماعی تولید جدیدی است. (همان).

مرتون نیز همانند دورکیم بیگانگی را مترادف با آنومی در نظر می گیرد و بر جنبه های اجتماعی آن تأکید می کند به نظر مرتون بی هنجاری رفتاری منحرفانه است که در عین حال مبین گسیختگی و عدم تجانس بین اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت نیل بدان اهداف است. اشاره به حالتی از رابطه فرد و جامعه دارد که در آن بین فرد و ساخت فرهنگی و ارزشی حاکم تضاد وجود دارد. مرتون همه ی صور اختلافات رفتاری از قبیل انحراف، نابهنجاری

و بیگانگی را نه یک مسئله و آسیب روانی و نه یک مسئله خاص بلکه به عنوان یک مسئله اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی در نظر می‌گیرد. به عقیده مرتون زمانی که جامعه کاملاً بر فرد کنترل دارد وی احساس نوعی بی‌قدرتی خواهد کرد زمانی که هر دوی هدف و هنجار از دید فرد پوچ است وی به نوعی احساس جدایی و انزوای اجتماعی خواهد داشت و زمانی که فرد ارزشها و هنجارهای اجتماعی را نمی‌پذیرد دچار نوعی احساس بی‌هنجاری است. به نظر وی هر سه جنبه بیگانگی یعنی احساس بی‌قدرتی بی‌هنجاری و انزوا مجموعاً و یا به صورت منفرد در فرد می‌تواند تظاهر کند. ضمناً نکته ای که در این جا قابل یادآوری است این است که مرتون بر نقش پایگاه اجتماعی-اقتصادی، در بروز آنومی اجتماعی تأکید دارد و می‌گوید مسئله آنومی نه مسئله فردی بلکه مسئله ای ساختاری است و چون ساخت اجتماعی نمی‌تواند راه‌های یکسانی را برای همه اعضای جامعه تدارک بیند و چون جامعه از نظر ساخت طبقاتی همگون نیست. لذا در چنین وضعیتی طبقات محروم و غیرمرفه جامعه بیش از طبقات دیگر احتمال دچار شدن به حالت آنومی و استفاده از وسائل غیر مشروع برای نیل به اهداف مدنظر را دارند. از بحث مرتون می‌توان چنین استنباط کرد که در طبقات پایین اجتماع احتمال بروز بیگانگی بیشتر است (کوزر، ۱۳۷۹: ۲۰۲، به نقل از محمد قنبری).

به عقیده زیمل جامعه صرفاً تعدادی از افراد است که از طریق کنش متقابل با همدیگر پیوند دارند از این رو جامعه را باید به عنوان آرایشی از اشکال روابط یا اشکال اجتماعی شده مطالعه کرد. برای زیمل روابط اجتماعی مسلط در جوامع مدرن مبادله است. یکی از مهم‌ترین شرایط مبادله اعتماد است بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به همدیگر و جامعه تجزیه می‌گردد. زیمل سنخهای اجتماعی را برای تکمیل صور اجتماعی مدنظرش ترسیم کرد. برای مثال سنخ بیگانه فرد آواره ای نیست که امروز بیاید و فردا برود و هیچ‌گونه پایگاه ساختاری خاص نداشته باشد. بلکه برعکس اوشخصی است که امروز می‌آید و فردا می‌ماند.

بیگانه عنصری از یک گروه است با این تفاوت که عضو کامل آن نیست، او به خاطر این تعلق ناقص به گروه می‌تواند با کمترین تعصب گروهی با این گرایش برخورد کند وانگهی از آنجا که یک بیگانه از سویی به گروه نزدیک و از سویی از آن دور است می‌توان به او اعتماد کرد (کوزر، ۱۳۷۳: ۲۵۴).

به اعتقاد زیمل نوعی اکراه پنهان (عدم اعتماد اجتماعی) افزایش فرد گرایی، فاصله ها و کاهش ارتباطات جمعی را خلق می کند. اسلوب زندگی کلان شهری مستقیماً به منزلهٔ اجتماع زدایی است که در واقع یکی از اشکالات اساسی اجتماعی شدن است (زیمل، ۱۳۷۲: ۵۲).

علی شریعتی اولیناسیون را یک بیماری برای نوع بشر در قرن حاضر می داند. شریعتی این بحث را اولین بار در ایران مطرح کرد و خودش معتقد است که اولین کسی است که آن را به صورت یک بحث جامعه شناسی مطرح کرده است (رضائیان، ۱۳۸۰: ۹۸).

(ب) نظریه های روانشناسی و روانشناسی اجتماعی:

فروم بیش از هر روان شناس دیگری در تفسیر تحلیل و توسعهٔ مفهوم از خود بیگانگی کوشیده است. فروم در کتاب جامعهٔ سالم خود به تشریح و تحلیل "شخصیت اجتماعی بیمار گونه" پرداخته است" (فروم، ۱۳۵۵: ۱۱۸-۱۱۷).

فروم یک روان شناس با گرایش مارکسیستی است که با روان شناختی کردن مفهوم بیگانگی، عمدتاً متوجه از خود بیگانگی، چگونگی انفصال ذهنی و فکری فرد از خویشتن خود تحت تاثیر نیروهای بنیادی جامعه و تجارب زندگی اجتماعی است. تز اصلی فرم بر این اصل استوار است که انسان در حالت طبیعی آزادی را به خود قرین دارد ولی در به کار گیری این آزادی برای شناخت و تصور مفهوم خود کامیاب نبوده است. به نظر فروم از آن جایی که فرد همواره در ایفای نقشهای مقرر، منافع، مصالح و خواسته های دیگران را در نظر دارد تبدیل به ساز گاری بیگانه از خود گردیده است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۱۵۵).

سیمن کوشیده است ضمن تعریف مفهومی از بیگانگی و مشخص نمودن سنخ شناسی (تیپولوژی) بیگانگی، صور و انواع تظاهرات رفتار بیمار گونه را که به نظر وی از رایج ترین صور کاربردی مفهومی واژه در ادبیات جامعه شناسی و روان شناسی هستند، نشان دهد:

الف- احساس بی قدرتی

عبارتست از احتمال یا انتظار متصور از سوی فرد در قبال بی تاثیری عمل خود و تصور این باور که رفتار قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که کنش او بر اساس آن تجهیز گردیده است، رهنمون نیست سیمن معتقد است که این مفهوم از بیگانگی بیش از موارد دیگر آن در ادبیات معاصر به کار می رود.

ب- احساس بی معنایی یا احساس بی محتوایی

این شکل از بیگانگی به نظر سیمن زمانی مشهود است که فرد در باور و عقیده دچار ابهام و تردید است یعنی نمی تواند به چیزی اعتقاد داشته باشد. در تصمیم‌گیری‌ها عقیده خود را با استانداردهای موجود در جامعه خویش نمی‌تواند تطبیق دهد و به عبارتی وی در تخمین و پیش بینی بالنفسه دقیق رفتار دیگران و نیز برآورد نتایج و عواقب خود و کار خود با دشواری روبروست.

ج- احساس ناپهنجاری (بی هنجاری)

به عقیده سیمن احساس بی هنجاری حالتی است که فرد احساس می کند که برای رسیدن به هدفهای ارزنده ی خود نیاز به وسایل نامشروع دارد.

د- احساس انزوای اجتماعی

واقعیتی فکری است که فرد در آن عدم تعلق و وابستگی را با ارزشهای مرسوم جامعه احساس می کند. احساس انزوای اجتماعی از نظر سیمن به مفهوم قابلیت سازگاری فرد با زمینه اجتماعی خویش نیست بلکه میزان انفکاک فکری فرد از استانداردهای فرهنگی است.

ه- احساس تنفر یا نفرت از خویشتن

سیمن میزان و درجه هر رفتار را مبتنی بر پاداشهای مورد انتظار آتی می داند و همچون مارکس اعتقاد دارد که پاداش منحصر در خود عمل نهفته نیست بلکه نسبت به کار امری خارجی است. به نظر او در دنیای صنعتی انسان در بسیاری از حرف و مشاغل در روابط تولیدی خاصی قرار می گیرد. او کار می کند بدون آنکه به ارزش واقعی کار خود آگاه باشد و از نتایج کار خود متمتع گردد. نتیجه، زوال و از دست رفتن مفهوم واقعی کار و آغاز نفی خود و تولید است در چنین وضعیتی فرد از شانس و خدمت لازم برای تولید و خلق محصولی که او را راضی و خرسند سازد برخوردار نیست و به نوعی احساس انزجار از روابط اجتماعی تولیدی گرفتار است (محسنی تبریزی، ۱۵۲-۱۵۱)

و- خود غریبگی:

به معنای غربت از خویشتن است. فروم در کتاب جامعه سالم می نویسد: "منظور از از خودبیگانگی شیوه ای تجربی است که طی آن شخص خود را بیگانه احساس می کند و می توان گفت او نسبت به خود غریبه شده است." (همان).

فردینبرگ در بررسی علل نارضاتی توجه خود را عمدتاً معطوف به علل نارضایتی نسل جوان می کند به نظر وی محیط آموزشی و شرایط تحصیلی فرد، زندگی خانوادگی و ارتباطات

فامیلی و نیز کسانی نظیر گروه همسالان که فرد با آنها در کنش متقابل به سرد می برد از علل و عوامل بروز احساس بیگانگی در نسل جوان است. فردینبرگ در پژوهشهای تجربی خود در باب علل بیگانگی نسل جوان بر این فرض کل تأکید دارد که فرد نارضایتی خود را به صورت جداگانه و ناسازگارانه در قبال ارزشها هنجارها و ضوابط اجتماعی نهادینه شده بروز می دهد و در مقابل آن ژست دفاعی همراه با احساس نفرت، بدبینی، انفعال و بی تفاوتی می گیرد. از عوامل دیگری که فردینبرگ ضمن پژوهشهای تجربی خود در بروز بیگانگی و احساس نارضایتی دخیل می داند، سرکوب شدن مفهوم فردیت و هتک شخصیت فردی مشغله فکری به ویژه سر و کار مفرط با مفاهیم تجریدی و انتزاعی و نیز غلبه ارزشها و احساسات گروه بر ارزشها و عواطف فرد هستند (فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۱۱۶).

کنیستون که پژوهش هایش بر دانشجویان بیگانه در هاروارد در سه دهه ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ متمرکز است، با طرح مفهوم غیرمتعهد^۱، بدبین و مظنون^۲ می کوشد بحران هویت و خودباختگی نسل جوان را به ستیزهای اودیپی میان آنان و والدین نسبت دهد. توصیف کنیستون از دانشجویان بیگانه از خویش متمم این حقیقت است که بیگانگی روانی در شکل بحران هویت^۳ تجلی می یابد و آن نتیجه ای از کامیابی غم انگیز در ستیز اودیپی با پدر و سر در گمی و ناکامی در هویت یابی با والدین است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

اریکسون ضمن اشاره به نقش محیط های آموزشی و تربیتی، ایجاد سردرگمی و بحران هویت، ناهمسویی، تضاد بارز میان ارزشهای تبلیغ شده هدف های فرهنگی و انتظارات اجتماعی از یک سو و وسایل راه ها و شیوه های اتخاذ شده و عرضه شده جامعه را از دیگر سو مورد تحقیق و تأکید قرار می دهد. به نظر اریکسون سر در گمی، ابهام و بحران خودشناسی از آنجا ناشی می شود که فرد در جامعه جدید از طریق نظام تربیتی نظیر خانواده و مدرسه از یک سو ارزشهایی چون عدالت، استقلال، اراده، آزادی و برابری و نظایر آن را می آموزد و از سوی دیگر به محض ابراز کوچکترین آزادی عمل، عدالت خواهی، اراده فردی، تکروی و استقلال رأی توبیخ و تنبیه می شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۶۲)^۱

فرضیه های تحقیق

فرضیه های اصلی

۱- بین میزان اعتماد اجتماعی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

1. uncommitted

2. Pessimist

3. iddetitycisis

- ۲- بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان رضایت از زندگی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد
- ۴- بین میزان گرایشات جمعی مذهبی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان هم‌نوایی و سازگاری جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان تحصیلات جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

فرضیه های فرعی

- ۷- بین جوانان متأهل، مجرد، مطلقه و همسر فوت شده در زمینه ی میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت وجود دارد.
- ۸- بین زنان و مردان جوان در زمینه ی میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت وجود دارد.

روش شناسی

در علوم اجتماعی روشهای متفاوتی برای تحقیقات علمی وجود دارد (مثل تحقیقات آزمایشی-مشاهده مشارکتی و...)، که هر محقق با توجه به موضوع مورد بررسی و شرایطی که در آن قرار دارد، یک یا چند شیوه را برای بررسی موضوع مورد مطالعه انتخاب می کند. در پژوهش حاضر با توجه به موضوع مورد بررسی و نیز ویژگی جامعه آماری، روش پژوهش، روش پیمایشی است. روش پیمایشی که عام ترین روش در تحقیقات اجتماعی به شمار می آید روشی برای گردآوری داده ها است که در آن از گروه های معینی از افراد خواسته می شود به تعدادی پرسش مشخص پاسخ دهند. این پرسش ها مجموعه اطلاعات تحقیق را شکل می دهند (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۹۶).

جامعه پژوهش به مجموعه ای از اشخاص، اشیاء، گیاهان، مکان ها، رویدادها و به طور کلی اموری اطلاق می شود که در یک یا چند صفت یا ویژگی مشترک باشند (میرزایی، ۱۳۸۸: ۱۷۰). جامعه آماری در این تحقیق عبارتست از کلیه جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر یاسوج اعم از مرد و زن که تعدادشان ۲۸۲۵۹ نفر بوده و شامل ۱۲۸۰۳ مرد و ۱۵۴۵۶ زن می باشند. (این آمار از مرکز بهداشت شهید دامیده شهر یاسوج به دست پژوهشگر رسیده است).

نمونه پژوهش، از آنجا که تعداد جامعه پژوهش، ۲۸۲۵۹ نفر بوده و جامعه نیز ناهمگون می باشد از نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم برای به دست آوردن حجم نمونه استفاده شده است که در ابتدا طبق فرمول یامانی، حجم (اندازه) نمونه را به دست آورده، سپس با استفاده از فاصله نمونه سهمیه هر محله را به تناسب جمعیت و جنس به دست آوردیم که اندازه (حجم) نمونه، با استفاده از فرمول یامانی ۳۹۴ نفر به دست آمد و برای سهولت کار و جبران پرسشنامه های بی پاسخ یا نامطلوب، ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد که تجزیه و تحلیل نهایی داده ها بر روی ۳۶۰ پرسشنامه که شامل ۱۷۰ زن و ۱۹۰ مرد است، صورت گرفته است. (به علت عدم وضوح در جوابگویی و یا عدم پاسخ گویی بعضی از پرسشنامه ها)

$$n = N / (1 + N \cdot [(e)]^2) \quad n = 28259 / (1 + 28259 \cdot [(0.05)]^2) = 394$$

فرمول یامانی

ابزار پژوهش

واحد تحلیل در این پژوهش فرد (جوان) می باشد که شامل یکی از جنس های مرد یا زن می باشد و از لحاظ سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال می باشد. ابزار پژوهش اصلی در این تحقیق پرسشنامه بوده که از مصاحبه نیز به عنوان ابزار فرعی تحقیق سود جسته شده است. آزمون برازش داده ها

آزمون برازش داده ها و تعیین میزان اعتماد (پایایی) و اعتبار (روایی) در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا اندازه گیری مطلوب، آن است که نتایج حاصل از آن اولاً دقیق و صحیح باشد یعنی بیانگر تفاوت های حقیقی در واقعیت یا پدیده مورد اندازه گیری باشد و ثانیاً مبین همان صفت یا صفاتی باشد که مورد نظر محقق بوده است و درست در پی همان چیزی باشد که در تعریف مساله آمده است .
اعتماد (پایایی)

در این قسمت سعی کرده ایم مشخص شود که نتایج حاصل از اندازه گیری توسط یک ابزار مشخص، قابل اعتماد است یا خیر، یعنی ابزار اندازه گیری ما با چه دقت یا صحتی موضوع مورد بررسی را قابل اندازه گیری کرده است و اگر اندازه گیری مربوطه توسط محقق دیگری و طی همان شرایط تکرار شود آیا همان نتایج قبلی به دست میاید یا خیر؟

در تحقیقات اجتماعی محقق به کمک یک سری از روش‌ها حدود اعتماد (پایایی) ابزارهای اندازه‌گیری را مشخص می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۷: ۷۳). مهم‌ترین این روش‌ها عبارت از ۱. روش باز آمایی، ۲. روش موازی یا آزمون هم‌تا، ۳. روش دو نیمه کردن، ۴. روش ضریب ثبات، ۵. روش کودر ریچارسون ۶- روش آلفای کرونباخ.

به این خاطر که روش آلفای کرونباخ از عمومیت بیشتری برخوردار است، در این تحقیق از این روش سود جسته ایم.

مقدار آلفای به‌دست آمده متغیر بیگانگی اجتماعی ۰/۷۳، اعتماد اجتماعی ۰/۷۱، گرایش‌های مذهبی جمعی ۰/۷۳، پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۰/۷۰، هم‌نوایی ۰/۷۵، احساس ستیز با جامعه ۰/۷۰، و میزان رضایت از زندگی ۰/۷۱ محاسبه شده است.

اعتبار (روایی)

اعتبار محتوا روشی برای سنجش میزان اعتبار اجزای تشکیل‌دهنده یک ابزار اندازه‌گیری می‌باشد که معمولاً توسط افراد متخصص درباره‌ی موضوع مورد مطالعه انجام می‌شود از این رو اعتبار محتوا به قضاوت داوران و متخصصان بستگی دارد. که در این پژوهش نیز ابزار اندازه‌گیری (پرسش‌نامه) توسط صاحب‌نظران و متخصصان فن ارزیابی و ایرادات آن برطرف و ابزار مورد نظر نهایی شده است.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ورژن شانزده استفاده شده است که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. آمار توصیفی این تحقیق شامل جدول‌های فراوانی، نمودارها و شاخص‌های مرکزی و آمار استنباطی شامل آزمون‌های کندال تائو-b، کندال تائو-c و آزمون‌های یومان ویتنی و کروسکال و الیس و تحلیل رگرسیون می‌باشد.

یافته‌ها

جدول شماره ۱: آزمون همبستگی بین میزان اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی

اعتماد اجتماعی	بیگانگی اجتماعی	بالا	متوسط	پایین	مجموع
پایین	۳۵	۲۰	۲۳	۷۸	
					۲۱/۷۶

متوسط	۲۸	۴۶	۷۵	۱۴۹
				۴۱/۴
بالا	۱۲	۳۴	۸۷	۱۳۳
				۳۶/۹
مجموع	۷۵	۱۰۰	۱۸۵	۳۶۰
				۱۰۰/۰

Observation case=360

sig=0/000

missing=0

Kendall's tau b= -0/483

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۱ می‌بینیم که مقدار همبستگی به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار به میزان $-0/483$ - رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان بیگانگی اجتماعی را تایید می‌کند. همچنین همبستگی محاسبه شده در سطح $0/01$ معنی دار می‌باشد (به خاطر آنکه $Sig=0/000$).

جدول شماره ۲: آزمون همبستگی بین پایگاه اجتماعی و بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی	پایگاه اجتماعی	بالا	متوسط	پایین	مجموع
پایین	۲۴	۲۶	۲۸	۷۸	
					۲۱/۷
متوسط	۱۹	۶۹	۶۱	۱۴۹	
					۴۱/۴
بالا	۲۵	۵۷	۵۱	۱۳۳	
					۳۶/۹
مجموع	۶۸	۱۵۲	۱۴۰	۳۶۰	
					۱۰۰/۰

Observation case=360

sig=0/453

missing=0

Kendall's tau b= 0/038

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۲ می بینیم که مقدار همبستگی حاصله با استفاده از نرم افزار به میزان $0/038$ و همچنین سطح معنی داری به دست آمده یعنی $0/453$ (که از $0/05$ بزرگتر است)، رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان بیگانگی اجتماعی را رد می کند. بنابراین به احتمال ۹۵ درصد بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد و فرض صفر پذیرفته می شود.

جدول شماره ۳: آزمون همبستگی بین میزان رضایت از زندگی و بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی	رضایت از زندگی	بالا	متوسط	پایین	مجموع
پایین	۱۵	۲۸	۳۵	۷۸	۲۱/۷
متوسط	۶۰	۵۸	۳۱	۱۴۹	۴۱/۴
بالا	۶۵	۴۶	۲۲	۱۳۳	۳۶/۹
مجموع	۱۴۰	۱۳۲	۸۸	۳۶۰	۱۰۰/۰

Observation case=360

sig=0/000

missing=0

Kendall's tau b=-0/226

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۳ می بینیم که مقدار همبستگی به دست آمده با استفاده از نرم افزار به میزان $-0/226$ رابطه بین میزان رضایت از زندگی و میزان بیگانگی اجتماعی را تایید می کند. همچنین همبستگی محاسبه شده در سطح $0/01$ معنی دار است. (درجه معنی داری برابر صفر است).

جدول شماره ۴: آزمون همبستگی بین میزان گرایشات مذهبی جمعی و بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی	گرایشات مذهبی	بالا	متوسط	پایین	مجموع
-----------------	---------------	------	-------	-------	-------

۷۸	۳۴	۲۳	۲۱	پایین
۲۱/۷				
۱۴۹	۳۱	۵۸	۶۰	متوسط
۴۱/۴				
۱۳۳	۱۲	۵۲	۶۹	بالا
۳۶/۹				
۳۶۰	۷۷	۱۳۳	۱۵۰	مجموع
۱۰۰/۰				

Observation case=360

sig=0/000

missing=0

Kendall's tau b= -0/37

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۴ می بینیم که مقدار همبستگی به دست آمده با استفاده از نرم افزار به میزان $-0/226$ رابطه بین میزان گرایشات مذهبی جمعی و میزان بیگانگی اجتماعی را تایید می کند. همچنین همبستگی محاسبه شده در سطح $0/01$ معنی دار می باشد (به خاطر آنکه $Sig=0/000$) بنابراین فرضیه صفر رد می شود و با احتمال $0/99$ می توان گفت که بین میزان گرایشات مذهبی جمعی و میزان بیگانگی اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۵: آزمون همبستگی بین میزان همنوایی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی

مجموع	پایین	متوسط	بالا	همنوایی اجتماعی
۷۸	۳۸	۱۷	۲۳	پایین
۲۱/۷				
۱۴۹	۵۰	۴۴	۵۵	متوسط
۴۱/۴				
۱۳۳	۳۷	۴۳	۵۳	بالا
۳۶/۹				
۳۶۰	۱۲۵	۱۰۴	۱۳۱	مجموع
۱۰۰/۰				

Observation case=360

sig=0/02 missing=0

Kendall's tau b= -0/10

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۵ می بینیم که مقدار همبستگی به دست آمده با استفاده از نرم افزار به میزان $0/10$ - رابطه بین میزان همنوایی اجتماعی و میزان بیگانگی اجتماعی را تأیید می کند. همچنین همبستگی محاسبه شده در سطح $0/01$ معنی دار می باشد (به خاطر آنکه $Sig=0/02$).

جدول شماره ۶: آزمون همبستگی بین میزان تحصیلات و بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی	تحصیلات	بیسواد ابتدایی	راهنمایی	دیپلم فوق دیپلم	فوق لیسانس	لیسانس فوق لیسانس	دکتر	مجموع
پایین	۸	۳	۱	۸	۱۷	۱۹	۶	۷۸
متوسط	۱	۱۱	۱۲	۳۴	۲۷	۴۴	۰	۱۴۹
بالا	۱	۶	۵	۲۹	۲۵	۵۱	۲	۱۳۳
مجموع	۱۰	۲۰	۱۸	۷۱	۶۹	۱۱۴	۸	۳۶۰

Observation case=360 sig=0/64 missing=0
Kendall's tau c= 0/02

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۶ می بینیم که مقدار همبستگی حاصله با استفاده از نرم افزار به میزان $0/02$ و همچنین سطح معنی داری به دست آمده یعنی $0/64$ (که از $0/05$ بزرگتر است)، وجود رابطه بین میزان تحصیلات جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی را رد می کند. بنابراین به احتمال ۹۹ درصد بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد و فرض صفر پذیرفته می شود.

جدول شماره ۷: آزمون مقایسه بیگانگی اجتماعی جوانان مجرد، متأهل، مطلقه و همسر فوت شده

بیگانگی اجتماعی

کای اسکوئر	۲۰/۱۶۴
درجه ی آزادی	۳
سطح معنی داری	۰/۰۰۰

در جدول شماره ۷ ملاحظه می شود با ۹۹ درصد می توان اطمینان کرد که بین جوانان مجرد، متأهل، مطلقه و همسر فوتی های مورد مطالعه در زمینه میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه ی یک تأیید می شود.

Sig=0/000 df=3 chi-square=20/164

جدول شماره ۸: آزمون مقایسه بیگانگی اجتماعی زنان و مردان جوان

بیگانگی اجتماعی	
یومان - ویتنی	۱۰۴۴۶/۰۰۰
ویلکاکسون	۲۴۹۸۱/۰۰۰
Z	-۶/۲
سطح معنی داری	۰/۰۰۰

در جدول شماره ۸ ملاحظه می شود با ۹۹ درصد می توان اطمینان کرد که بین جوانان زن و مرد مورد مطالعه در زمینه میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت معناداری باهم دارند. بنابراین فرضیه ی یک تایید می شود.

Sig=0/000 z=-6/2

نتیجه گیری

یافته های حاصل از تحلیل تک متغیره بدین صورت بود که: از مجموع ۳۶۰ نفر از پاسخگویان مورد بررسی در این تحقیق به ترتیب ۲۱/۷ درصد دارای بیگانگی اجتماعی پایین ۴۱/۴ دارای بیگانگی اجتماعی متوسط و ۳۶/۹ درصد دارای بیگانگی اجتماعی بالا بوده اند. از همین ۳۶۰ نفر به ترتیب ۳۴/۲ درصد دارای از خود بیگانگی (بیگانگی فردی) پایین، ۴۱/۷ درصد دارای از خود بیگانگی (بیگانگی فردی) متوسط و ۲۴/۲ درصد دارای از خود بیگانگی (بیگانگی فردی) بالا بوده اند.

نتایج تجربی فرضیه های تحقیق در گام اول:

در رابطه با تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق برمتغیر بیگانگی اجتماعی نکات زیر برای ما روشن می گردد:

- بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه معنی دار و معکوسی وجود دارد. این امر بیانگر این است که هر چه میزان اعتماد اجتماعی جوانان در جامعه پایین باشد میزان بیگانگی اجتماعی در آنها افزایش می یابد که این متغیر (اعتماد اجتماعی) در دیگر تحقیقات انجام شده لحاظ نشده است.
- بین دو متغیر گرایشات مذهبی جمعی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه معنی دار و معکوسی وجود دارد. این امر بیانگر این است که هر چه میزان گرایشات مذهبی جوانان در جامعه پایین باشد میزان بیگانگی اجتماعی در آنها افزایش می یابد که این نتیجه موافق نتیجه تحقیق قصابی است
- بین دو متغیر رضایت از زندگی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه معنی دار و معکوسی وجود دارد. این امر بیانگر این است که هرچه میزان رضایت از زندگی جوانان در جامعه پایین باشد میزان بیگانگی اجتماعی در آنها افزایش می یابد.
- بین دو متغیر همنوایی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه معنی دار و معکوسی وجود دارد. این امر بیانگر این است که هر چه میزان همنوایی اجتماعی جوانان در جامعه پایین باشد میزان بیگانگی اجتماعی در آنها افزایش می یابد.
- بین زنان و مردان مورد بررسی این تحقیق در زمینه بیگانگی اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد و میزان بیگانگی در مردان مورد مطالعه بیشتر از زنان بوده است که جای بحث دارد
- بین جوانان مجرد، متأهل، مطلقه و همسر فوتیها در زمینه میزان بیگانگی اجتماعی آنها تفاوت وجود دارد که این میزان در همسر فوت شدهها بیشتر از سایرین است و باید تدبیری در این زمینه اندیشیده شود. و این نتیجه مخالف نتیجه ابراهیمی مقدمیان است.
- بین دو متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و میزان بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود ندارد. این واقعیت مخالف نتیجه توماس دورانت و کریستین الوی است.
- بین دو متغیر میزان تحصیلات جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود ندارد. این نتیجه موافق نتیجه ابراهیمی مقدمیان است.

نتایج تجربی فرضیه های تحقیق در گام دوم:

در مدل نهایی رگرسیونی چند متغیری بیگانگی اجتماعی جوانان از میان نه متغیر وارد شده در معادله شش متغیر اعتماد اجتماعی، همنوایی اجتماعی، گرایشات مذهبی، رضایت از زندگی، جنس و وضعیت تاهل تأثیر معناداری را بر بیگانگی اجتماعی جوانان داشتند و حدود ۴۰ درصد (ضریب تعیین تعدیل شده) از تغییرات بیگانگی اجتماعی را تبیین کرده اند. به طور کلی یافته های حاصل از تحلیل رگرسیونی نتایج زیر را برای ما روشن می سازد:

۱- اعتماد اجتماعی به میزان ۰/۴۱- بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در میزان اعتماد اجتماعی ۰/۴۱ از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می شود.

۲- گرایشات مذهبی جمعی به میزان ۰/۳۰- بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در میزان گرایشات مذهبی جمعی ۰/۳۰ از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می شود.

۳- همنوایی اجتماعی به میزان ۰/۲۳- بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در میزان همنوایی اجتماعی ۰/۲۳ از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می شود.

۴- رضایت از زندگی به میزان ۰/۱۵- بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در میزان رضایت از زندگی ۰/۱۵ از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می شود.

ارایه پیشنهادها

نتیجه تحولات جمعیتی چند دهه اخیر در ایران، افزایش حجم ساختار جمعیتی جوان بوده است. نتایج پژوهش حاضر در قشر جوان ۲۰ تا ۳۰ ساله نشان دهنده آن است که در جامعه تحت بررسی، میزان بیگانگی اجتماعی بالنسبه بالاست. از آنجا که نسل جوان با توجه به شرایط و موقعیت های خاص جسمی، جنسی، روحی، اجتماعی و... احتمال بیشتری برای گرفتار شدن در تله این معضل اجتماعی دارند، و نیز طبق نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر (بر اساس میزان همبستگی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته)، مواردی به عنوان راهکارهای کاهش میزان بیگانگی اجتماعی جوانان ارایه می گردد.

افزایش اعتماد اجتماعی در جوانان:

همانگونه که یافته های تحقیق نیز نشان داده است، افزایش اعتماد اجتماعی جوانان بر کاهش میزان بیگانگی آنان تأثیرگذار بوده است. برای تقویت میزان اعتماد اجتماعی در جوانان لازم است که افراد جامعه و متولیان امور جوانان، به شرکت دادن جوانان در کارهای جمعی در قالب گروه ها و تشکل های داوطلبانه و غیرداوطلبانه در سایه اطمینان به آنان پرداخته و زمینه هایی که شبکه ی ارتباطی بین جوانان و جامعه را به صورت سالم برقرار می کند، فراهم کنند تا بده و بستانهای عاطفی میان جوانان و سایر اعضای جامعه صورت گیرد و از این طریق روحیه همبستگی اجتماعی و اعتماد جوانان در جامعه افزایش یابد. این چیزی است که جامعه امروزی ما با توجه به تغییراتی (همچون افزایش جمعیت، دگرگونی زندگی شهری، تحولات اقتصادی اجتماعی و سیاسی و...) که سال های اخیر در آن به وجود آمده است، به آن نیازمند است. افزایش گرایشات مذهبی جوانان:

همان طور که دیدیم رفتارهای جمعی مذهبی از متغیرهای تأثیرگذار در اعتماد اجتماعی بوده است. فقدان ایمان و گرایشات مذهبی آن قدر مهم بوده است که پروفیسور "کارل گوستاو یونگ" استاد کرسی روان شناسی می گوید: "بیماری قرن ما "بیماری مذهبی" است که در اثر تکنولوژی و جمود تعالیم و کوته نظری و تعصب، بشر قرن بیست و یکم لامذهب شده است و سرگشته در جستجوی روح خود است و تا مذهبی نیابد آرامش و آسایش ندارد. بی مذهبی بدون شک پوچی و بی معنایی زندگی را سبب می شود و داشتن مذهب به زندگی اجتماعی انسان معنا و مفهوم خاصی را می بخشد. آن کس که با شهامت در راه خودشناسی گام گذاشت به خدانشناسی میرسد و در مرحله ی آخر به تکامل نفس و فردیت خود واصل می شود.

نگارندگان مقاله را اعتقاد بر این است که به دلیل شرایط خاص (اجتماعی، روحی و...) جوانان، جامعه امروزی نیاز دارد جهت رسیدن به ثبات کامل گرایشات جمعی مذهبی در آنان، متوسل به زبان هنر و اصل فرهنگ سازی شود و ضروری است که متولیان مذهبی، فرهنگی و هنری جامعه در این باره به وسیله این راهکار پیگیر جریان باشند. چرا که در غیر این صورت جوانان احساس خواهند کرد خیلی از برخوردهای نادرست زایدۀ قوانین مذهبی و فرهنگی جامعه است و به همین جهت فرار از مذهب را در هر شرایطی امری مهم و حیاتی تلقی می کنند.

باید یقین داشته باشیم که با برخورد نادرست و بی احترامی به نسل جوان، نمی توان مشکلات را حل کرد و حتی در برخی موارد، به عمق معضلات جامعه نیز می افزاید. فراموش

نکنیم که نسل جوان، نسل حساس و زودرنجی است و این نسل نه تنها برخورد نادرست را نمی پذیرد بلکه همیشه منتقد مسائل جامعه است و خواهان اثبات مسائل براساس حقیقت است. اینک زبان خشونت در قرن ۲۱ رو به افول است و خشونت تنها در موارد بسیار نادری که فردی بخواهد قوانین اجتماعی را عمداً و کراراً زیر پا بگذارد و باعث اخلال در نظم و آسایش افراد دیگر جامعه شود اجرا می شود، به شرطی که کرامت انسانی برای فرد ناهنجار که در هر درجه ای باشد حفظ شود. حفظ و اجرای قانون مهم است، لکن آنچه مد نظر است: قانون را درست اجرا کنیم و مسائل حیاتی را در اولویت قرار دهیم نه مسائل جزئی را.

در خصوص افزایش میزان تمایلات مذهبی جوانان، مسئولان امور دینی و مذهبی باید چند استراتژی را مدنظر داشته باشند:

- شفاف نمودن و تفسیر روشن مفاهیم دینی و معارف مذهبی و اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و جامعه.

- تأکید بر مشترکات و برجسته نمودن مفاهیم اساسی دین و زدودن خرافات (نمونه آن گسترش عرفان های نوظهور و...) با زبانی که متناسب با حال و هوای نسل جوان باشد.

- شفاف نمودن و باز بینی برخی از مسائل و رفتارهای اجتماعی ای که در هاله ای از ابهام است مانند نگرش به هنر، آرمانها، ارزش ها و...

- اجرای شیوه های درست امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و عدم اعمال سلیقه های شخصی در این امر مهم.

بقیه پیشنهادات طبق نتایج به دست آمده از پژوهش بدین قرارند:

- ارتقا سطح آگاهی افراد جامعه بالاخص نسل جوان در خصوص مفهوم بیگانگی و انواع آن و عواقب ناشی از آن از طریق رسانه های جمعی ای که جوانان به صورت دیداری یا شنیداری و... با آنها در ارتباطند.

- ایجاد و تقویت حس مثبت اندیشی و مشارکت اجتماعی جوانان در قالب برگزاری کلاسها و دوره های آموزشی توسط روانشناسان اجتماعی و روانکاوان برای کلیه ی افراد جامعه، بالاخص خانواده ها و جوانانی که با بحران هویت و از هم گسیختگی اجتماعی مواجه اند. این استراتژی رضایت از زندگی را در جوانان موجب می شود که یکی از متغیرهای دخیل در کاهش بیگانگی اجتماعی است.

- آموزش مهارت‌های جامعه پذیری، فنون ارتباطات جمعی و مدیریت اضطراب، ناتوانی، یاس و... جوانان، در قالب برگزاری همایش‌ها و کلاس‌های خاص توسط سازمان ملی ورزش - جوانان.
- فراهم ساختن بسترهای لازم برای رشد و شکوفایی استعداد‌های جوانان که پتانسیل عظیم نیروی انسانی را شکل می‌دهند. این عمل به نوعی اعتماد اجتماعی و به تبع آن پیوند اجتماعی آنان را به همراه دارد.
- در نظر گرفتن برنامه‌ها و احداث اماکن ویژه، متناسب با حال و هوای جوانان که بستر ساز توسعه سرمایه اجتماعی و تبادل فکری آنان است و هم‌نوایی اجتماعی را در آنان موجب می‌شود.

To study of social alienation youth and related sociological factors. case: youth in yasuj city.S.Ahmad hosseini.Ph.D^{*} Najme.Vakili.Ph.D^{**} Alihassan.Tofighianfar^{***}**Abstract:**

Undoubtedly the most important part of a society is the young people of that society and one of intricate questions and problems which endanger the general health of young people is social alienation. in this research, we attempt to analyze the degree of social alienation and also the social factors which affect on social alienation of young people. the statistical society of this research includes twenty up to thirty year- old young people of of yasuj city . 360 young people about twenty up to thirty years- old were selected based on sex and stratified sampling and were examind through question- nire . this is a quantitative research in respect of sort and an appliable one in respect of purpose . descriptive statistics , inferential statistics ,kendalls tau- b test kendall s tau c test mann whitney and kruskal wallis test were used for analyzing data the finding of the research showed that there is a correlation between independent variables (social confidence- public religions tendency- the degree of social congruence and the degree of life satisfaction)and dependante variable i.e social alienation and the strongest correlation is related to social confidence . also it was observed that there is much difference in the degree of social alienation between young women and men between single and married young people and between divorced people and ones husband/wife were died.

Keywords : alienation – social alienation – young – socialfactors . .

*Assi:Proff. Allame_tabatabee University

** Assi: Proff. Azad University Rodehen

*** M.A in Social Sciences Reaseareh

منابع

فارسی

- آبرکرامبی، ن و دیگران (۱۳۶۷). فرهنگ جامعه شناسی. تهران: انتشارات چاپخش.
- آرون، ر (۱۳۶۳). مراحل سیر اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه پرهام، ب. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آل احمد، ج. (۱۳۷۲). غرب زدگی. تهران: انتشارات فردوس.
- آقابخشی، ح (۱۳۷۹). اعتیاد و آسیب شناسی خانواده. تهران: انتشارات دانش آفرین.
- ابراهیمی، پ (۱۳۶۹). نگاهی به مفهوم از خودبیگانگی. مجله آموزش رشد علوم اجتماعی، شماره ۵.
- ال بیکر، ت. (۱۳۷۷). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه نائی، ه. تهران: انتشارات روش.
- استیلویچ، ل. (۱۳۷۳). هگلیهای جوان، ترجمه فاطمی، ف. تهران: انتشارات مرکز.
- انجوی نژاد، ط. (۱۳۷۴). رابطه بین تیپ شخصیتی و بیگانگی فرهنگی در بین دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تهران. تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم. (طرح پژوهشی)

- احمدی، ا. (۱۳۸۲). روان‌شناسی نوجوانان و جوانان شخصیتی، رفتاری، تحصیلی، بزهکاری و اعتیاد. تهران: انتشارات مشعل.
- احمدی، ا. (۱۳۷۳). بحران هویت در نوجوانی، تهران: نشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوارسگان.
- بهرامی کمیل، ن. (۱۳۶۸). نظریه رسانه‌ها جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: انتشارات کویر.
- پاشاشریفی، ح و شریفی، ن. (۱۳۸۰). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات سخن
- پاری، گ. (۱۳۷۳). روان‌شناسی مقابله با بحران. ترجمه مقدسی، ح. تهران: انتشارات کامران.
- توسلی، غ. (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- تنهایی، ح. ا. (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. مشهد: نشر مرنديز
- ریتزر، ج. (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه ثلاثی، م. تهران: انتشارات علمی .
- راجرز، ا. (۱۳۸۷). تاریخ تحلیلی علم ارتباطات. ترجمه آذری، غ. تهران: انتشارات دانژه.
- رفیع پور، ف. (۱۳۸۲). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار
- دیلینی، ت. (۱۳۸۸). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی. ترجمه صدیقی، ب، طلوعی، و. تهران: نشر نی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات صدای و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- ستوده، ه. (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آوای نور
- سعیدی حسینی، م. (۱۳۸۷). جوان و فرار از مذهب. تهران: نشر نویسنده

- شرفی، ر. (۱۳۸۰). جوان و بحران هویت. تهران: انتشارات سروش.
- شریعتی، ع. (۱۳۶۱). انسان بی خود. تهران: نشر قلم
- شریعتی، ع. (۱۳۶۹). تمدن و تجدد. مجموعه آثار، تهران: الهام
- شفرز، ب. (۱۳۸۳). مبانی جامعه شناسی جوانان. ترجمه راسخ، ک. تهران: نشر نی.
- علیخانی، ع. (۱۳۸۳). هویت در ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- عمید، ح. (۱۳۶۰). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر
- عنایت، ح. (۱۳۵۰). جهانی از خودبیگانگی. تهران: انتشارات فرمند.
- فورسایت، د. (۱۳۸۰). پویایی گروهی. ترجمه: فیروزبخت، م. قنادان، م. تهران: انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کچوریان، ح. (۱۳۸۴). تطورات گفتمان های هویت در ایران، ایران در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد. تهران: نشر نی.
- کریمی، ی. (۱۳۸۳). روان شناسی اجتماعی نظریه ها، مفاهیم و کاربردها. تهران: انتشارات ارسبان.
- کوزر، ل. (۱۳۸۶). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. ترجمه ثلاثی، م. تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۸). تجدد و تشخص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه موفقیان، ن. تهران: نشر نی.
- لرنی، م. (۱۳۸۷). نقد و تحلیل مسائل اجتماعی ایران. تهران: نشر بهینه فراگیر.
- مساروش، ا. (۱۳۸۰). نظریه بیگانگی مارکس. ترجمه شمس آوری، ح. فیروزمند، ک. تهران: نشر مرکز.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۸۰). بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روانشناختی اجتماعی. نمایه پژوهش، شماره ۱۸
- معین، م. (۱۳۵۳). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرزایی، خ. (۱۳۸۸). پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.

- میرزایی، خ. (۱۳۸۷). بررسی مصرف رسانه ای و از خودبیگانگی اجتماعی - فرهنگی (طرح پژوهشی).
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۰) بیگانگی. نامه ی علوم اجتماعی، دوره ی جدید، شماره ۲
- محمدی اصل، ع. (۱۳۸۶). مبانی روان شناسی. تهران: نشر علی.
- ناصری، ز. (۱۳۸۸). بررسی بیگانگی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان پیام نور واحد محلات (طرح پژوهشی).

انگلیسی

- Merton, R. K. (1957). **Social Theory and social structure** Glecoe.
- Keniston, K. (1968). **Young radicals: notes on committed youth**, New York.
- Hirsch, T. (1969). **Causes of delinquency**. Berkele: university of californial press.
- Callahan. R & Logyonda. O, **Socialization and Alienation schooling**, Cleaning House, v56 n 9.
- Geshwender James and others (1964). **Socialization, alienation and student activism**. Youth and society.
- www.bloyfa.com.
- www.sociologyofairan.com/index.php
- www.atiy.ir/indey.asp
- www.aftab.ir/articles/do-dearch.php